



۲۰۱۹/۰۶/۱۲



اختر محمد یوسفی

سطح خشونت ها در افغانستان غیر قابل قبول است



خلمی خلیزاد میگوید:
سطح خشونت ها در افغانستان غیر قابل قبول است.
اینرا همه بخوبی میدانند که خشونت های چهل ساله در افغانستان و عمل که این خشونتها را برضد منافع ملی افغانستان
اساس گذاشته اند معلوم هستند. جنایتکاران مظالم گوناگون را بالا مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان به زور تعمیم
نموده اند. بلی واضح اند که خشونت امر غیر قابل قبول است.



تنها یادهانی از خشونت ها کافی نیست بلکه اقدامات علیه خشونتگران و رفع به موقع خشونت ها ضروری پنداشته
می شوند. اعمال خشونتبار طالب و داعش و سایر تروریستان خارجی علیه مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان تصادفی
نیست بلکه گردانندگان، منابع تمویل و محلاتی که تروریستان از آنجا عملیات جنگی خود را علیه مردم مظلوم و
بی دفاع افغانستان سازمان میدهند روشن است.

جنگ تحمیلی بیگانگان روزانه حیات ده ها و صدها افغان ملکی بیگناه را می بلعد و برای جلوگیری از اعمال خشونت بار و خونین این جنگ که علیه مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان بیرحمانه جریان دارد به عمل قاطعانه و راسخ فوری نیاز است.

همه بخاطر دارند زمانیکه در یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی در گرما گرم حملات القاعده از مراکز تعلیمی پاکستان بالای آسمان خراشهای نیویارک امریکا صورت گرفت بود، رئیس جمهور جورج بوش به جنرال مشرف پاکستانی گفته بود که اگر پاکستان در مبارزه علیه تروریسم بما همکاری نکنند پاکستان را به عصر حجر خواهیم فرستاد. در نتیجه آن اخطار رئیس جمهور جورج بوش به جنرال مشرف پاکستانی بود که با کوتاه ترین مدت فقط در ظرف یک هفته کلم تمام طالب و چلی را از افغانستان برداشتند. بعد از یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی نتایج عملکرد قاطع امریکا واضحاً نشان داد که طالبان و چلیان آنان در برابر ماشین نظامی امریکا و متحدین آن توان مقابله را ندارند.

مگر متأسفانه بعد از سقوط طالبان سهامداران سهیم خارجی در مسایل افغانستان در برخورد با نیروهای واقعی و وسیع ملی که صلاحیت و صداقت اداره کشور را داشتند و دارند پشت پای زدند. برعکس، جامعه جهانی بر عناصر فاسد و عمال جنگ افروز که در تداوم جنگ و خونریزی مستقیماً منفعت دارند تکیه نمود. این زنجیر جنایتکاران جنگی مجدداً با حمایت جامعه جهانی به قدرت رسیدند و تمام هست و بود باقیمانده موجود در کشور را به شمول کمک های سرشار بین المللی غارت کردند.

جامعه جهانی به نمایندگان واقعی مردم افغانستان و توده های وسیع مردم کشور هیچ فرصت مساعدی را برای انکشاف سالم ملی زمینه سازی نکردند تا مردم میتوانستند کلم جنگ و جنگ افروزان را در افغانستان برمیچینند. در افغانستان چند بار که انتخابات نمایشی ریاست جمهوری و پارلمانی با مصارف هنگفت هم صورت گرفته اند مستنداً جعلی بوده است که نتایج آنان موجود و روشن است.

با موجودیت چنین نظام فاسد کنونی در افغانستان توده های وسیع مردم کشور در انتخابات شرکت نکردند و نه میکنند، در چنین وضع تطبیق دیموکراسی در افغانستان ناممکن است.

اداره سفارش فاسد خارجیها طی هژده سال گذشته در ارگ کابل حکم روایی دارند خود غرق در فساد هستند نتوانستند و نمیتوانند نیاز مندیهای عاجل مردم افغانستان را رفع سازند، در نتیجه فساد دولت کنونی دامنه خشونت در کشور هر چه بیشتر و وسیعتر گردیده است. شما میدانند که جنگ افغانستان اکنون به زخم ناسور مبدل گشته اند که تداوی آن با وسایل و طرز عملهای موجود بکاربر ناممکن بنظر میرسند باید عوض شوند.

اکنون سوال روشن اینست که آن طالب و چلی که در سال ۲۰۰۱ میلادی قدرت سیاسی شان کاملاً از بین رفته بود، بعد از سقوط حاکمیت بربری شان بکجا رفته بودند؟ توسط کیه حمایت و حفاظت شدند؟ بآنکه ملا عمر رهبر نام نهاد طالبان سالها قبل مرده بود مگر گردانندگان اصلی جنگ افغانستان در عقب پرده بنام مرده پیامها و خطبه های متعدد را کی صادر میکردند. طالبان مرده چگونه زنده شدند و دوباره با سرکشیدن از استراحتگاه های آی ایس آی پاکستان و کشورهای حوزه خلیج بحیث بدلیل قدرت سیاسی برای افغانستان قدم علم نموده اند؟

این حقایق در مورد طالبان نتایج به اثبات می رسانند که طالبان وسیله دست بیگانه هستند و نیروی مستقل سیاسی و ملی شمرده نمی شوند. اسناد و مدارک فراوان این واقعیت های تلخ را نشان میدهد که ماهیت خشونت بار زن ستیزی و علم ستیزی طالبان هیچگونه تغییر نکرده است. با آنکه طالبان در قطر و ماسکو به دور میز مذاکره ای به نام

"صلح" نشسته اند، مگر در داخل کشور به قتل و قتل مردم بیگناه ملکی و سوختاندن پی در پی مکاتب و مدارس در افغانستان بیرحمانه ادامه می دهند.

در طی چندین ماه اخیر شش دور مذاکرات امریکا با طالبان گذشته است، بجز اینکه از جانب امریکا اعلان آماده گی خروج قوای نظامی اش را از افغانستان تکراراً اعلام نموده اند، و اینکار را امریکا میتواند بدون نشست شش دوری با طالبان اعلان کنند، مگر در سه موارد مهم قطع جنگ و خونریزی مندرج در اجندا شما هیچگونه پیشرفت قابل ملاحظه صورت نگرفته است.

بهمگان معلوم که طالبان از خود استقلالیت تصمیم گیری جنگ و صلح را ندارند، طالبان بحیث وسیله بیگانه در تداوم جنگ عمل میکنند. عدم پذیرش مکرر اجندا "صلح" توسط طالبان خود واضحاً نشان دهنده آنست، دولتهای رقیب بخصوص پاکستان و روسیه که در عقب پرده با طالبان در ارتباط هستند در عدم پذیرش اجندا صلح تصمیمگیرنده هستند نه طالبان. بنا صلح با تدویر چنین نشستهها بر مورال دشمن می افزایند و نمیتوانند به تأمین امر صلح کمک نمایند. باید علاوه نمود که در مورد آماده گی طالبان میگویند که گویا از خاک افغانستان فعالیتهای تخریبی علیه دیگر کشورها صورت نمیگیرند صرف حرف میان خالی اند. هیچ منطق قابل قبول و تنظیم واقعی هم وجود ندارند که با احیای مجدد قدرت سیاسی طالبان در افغانستان، پاکستان و روسیه نتوانند از خاک افغانستان بر ضد کشورهای غربی بخصوص امریکا و هندوستان استفاده نکنند.

پای.

سطح خشونتها در افغانستان غیر قابل قبول است

Yusufi_akhtar_sathe_khoshunat_dar_afghanisan.pdf